

## عوامل مؤثر بر ایجاد فاصله نسلی و دوری از وفاق اجتماعی

### تحلیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی

دکتر محمدتقی شیخی\*

#### چکیده

تغییرات سریع اجتماعی طی قرن بیستم علاوه بر آثار و پیامدهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در برداشته است، پدیده «فاصله نسلی» را نیز موجب شده است؛ یعنی فاصله فکری، سلیقه‌ای، ارزشی و رفتاری که به طور عام بین نسل‌های مختلف پدیدار گردیده است. این جریان خود یکپارچگی و وفاق اجتماعی را نیز به مخاطره انداخته است. بعضی از اهل نظر و تحلیلگران اجتماعی، توسعه اقتصادی را عامل ظهور «فاصله نسلی» معرفی کرده‌اند، در حالی که بعضی دیگر توسعه فرهنگی را در این پدیده دخیل می‌دانند. «فاصله نسلی» گرچه در ابتدا از جوامع صنعتی برخاست، ولی به سرعت و به موازات ورود فرهنگ جدید صنعتی به سایر جوامع، نسلها و گروه‌های مختلف اجتماعی و جمعیتی این جوامع نیز با این تفاوت‌های ارزشی و هنجاری آشنا شدند. نوسازی اجتماعی خود نیز در ظهور و تسریع این پدیده نقشی مؤثر

---

\* - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

داشته است. با توجه به سرعت تغییرات اجتماعی و نوسازی در ابعاد مختلف آن در قرن بیست و یکم، احتمال بروز هر چه بیشتر فاصله نسلی در آینده، حتی بیشتر از گذشته، وجود دارد. عواملی نیز چون سواد و آموزش، بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات فرهنگی، تأثیرپذیری هر چه بیشتر جوانان از جریان نوسازی اجتماعی و نظایر آن، آنها را در مقایسه با نسلهای قدیم در معرض تغییرات بیشتری قرار داده است. همین طور، دستیابی به شاخصهای توسعه چون فقرزدایی، توسعه آموزش و پرورش، توسعه و بهبود بهداشت و ... هر یک در جای خود گروهها و نسلهای بالقوه تأثیرپذیر را با اولیاء و نسلهای قدیمی‌تر جامعه متفاوت کرده است. در این تحقیق سعی شده است تا پیامدهای تغییرات اجتماعی مهار ناشدنی حتی‌الامکان تبیین گردد. در تبیین پدیده «فاصله نسلی» و دور شدن از وفاق اجتماعی، از آرای گوناگون جامعه‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی و ... نیز استفاده شده است، و در نهایت پیشنهادها و راهکارهایی در این زمینه ارائه گردیده است.

### واژه‌های کلیدی

توسعه فرهنگی، نوسازی، ارزشهای فرهنگی، شهرنشینی، صنعتی شدن.

### مقدمه

توسعه اقتصادی جوامع بین دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که فرهنگ جدیدی (فرهنگ جوانان) را به همراه آورد، خود نیز دگرگونی در بسیاری از ارتباطات اجتماعی، پابندی به ارزشها و نهادها، چگونگی تبعیت از والدین و نسلهای بزرگتر و نظیر آن را موجب شده است. به‌گونه‌ای مختصر و جامع فاصله نسلی<sup>۱</sup> را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تغییرات سریع اجتماعی که تفاوت‌های رفتاری، سلیقه‌ای، تفاوت در علایق، توقعات و نظایر آن را بین دو نسل به وجود می‌آورد، اصطلاحاً به آن فاصله نسلی می‌گویند» (۹). به بیانی دیگر، فاصله نسلی را این‌طور می‌توان تعریف کرد: «منظور از فاصله نسلی تغییر در رفتار اجتماعی - فرهنگی بین دو نسل است که خود ناشی از تغییرات دانش

فنی، صنعتی، توسعه ارتباطات، آموزش و نظایر آن است، و در آن نسلهای مختلف به راحتی نمی‌توانند با یکدیگر تطبیق پیدا کنند» (22/P.91). در جامعه‌شناسی از آن به‌عنوان برخورد‌های بین نسلی نیز نام می‌برند. از سوی دیگر و از دیدگاه جمعیت‌شناسی، سالمند شدن جمعیت و گرایش به پیری<sup>۱</sup> نیز که سالمندان را از جریان فرهنگی دور می‌نماید، و عموماً در عصر حاضر، در زندگی خانوادگی به چشم می‌خورد، خود زمینه فاصله نسلی را فراهم می‌آورد (7). فاصله نسلیها که در مقیاسی وسیعتر در جوامع صنعتی به چشم می‌خورد، خود به عقیده بسیاری از مفسران و تحلیلگران اجتماعی مورد تشویق صاحبان سرمایه، تولیدکنندگان صنعتی، تولیدکنندگان کالاها و خدمات فرهنگی (تولیدکنندگان موسیقی و مد) و نظایر آن نیز قرار می‌گیرد (6/P.128). بسیاری از تحلیلگران اجتماعی، توسعه اقتصادی را دلیل عمده فاصله نسلیها شناخته‌اند؛ یعنی جریانی که با وسعت زیاد از نیمه دوم قرن بیستم آغاز و هم اکنون در حال پیشروی در جوامع رو به توسعه می‌باشد.

در تحلیل فاصله نسلیها به لحاظ تاریخی، باید کمی به عقب برگردیم؛ یعنی به ظهور و پیدایش تجدد<sup>۲</sup> یا پدیده غربی که کانت فیلسوف آلمانی قرن هیجدهم از آن به‌عنوان افق‌های توسعه اخلاق جهانی نام برده است. این جریان به‌مثابه استیلای جهان غرب طی چهار قرن اخیر مطرح بوده است، یعنی نوعی امپریالیسم که خود مشخصه جهان غرب بوده است. این حرکت با تغییرات، نوسانات، زمینه‌سازی‌های فرهنگی و نظایر آن امروزه پدیده جدید موسوم به فاصله نسلیها را به دنبال آورده است. مسأله فاصله نسلیها که در آغاز در جوامع صنعتی ظاهر گردید، و خود تغییراتی در شیوه‌های رفتاری نسل جوان بر جای گذاشت، به تدریج در حال نفوذ به جهان سوم است. این جریان در قالب تجدد و از طریق اقتباس فن‌آوری، روش‌ها و نهادهای غربی ظاهر می‌گردد. تجدد و دگرگونی معیارها علاوه بر تغییرات مختلف اجتماعی که برای این جوامع به همراه آورده است، نسلهای مختلف را نیز به لحاظ ارزشی و هنجاری از یکدیگر جدا ساخته است، و بدین گونه بر هوشیاری و وجدان مردم به‌ویژه نسل جوان در جهان روبه توسعه تأثیر گذاشته است. برگرد در سال ۱۹۷۴ از آن به‌عنوان «تحول و دگرگونی در روشها و فرایندهای نهادی» نام برده است. تغییرات اجتماعی - اقتصادی

1 - Ageism

2 - Modernity

همزمان در این خصوص خود زمینه‌پدایی فاصله‌نسلها را هر چه بیشتر کرده است. در عین حال، فاصله‌نسلها گر چه در طول تاریخ بین نسلهای متوالی ظاهر گردیده است، در عصر حاضر میزان، وسعت، عمق و نشانه‌های آن بین نسلهای مختلف بیش از هر زمانی دیگر قابل شناسایی و تشخیص است.

### روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله از نوع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع، مراجع، اسناد و به‌طور عمده کتب دست اول بوده است. از آنجا که این تحقیق به‌طور مستقیم با مباحث نظری پیوند دارد، به همین دلیل مروری کوتاه بر مباحث نظری برای بخش اصلی روش تحقیق حاضر لازم به حساب می‌آید. همین‌طور، در سازماندهی اطلاعات و داده‌ها در این مقاله، بخشهای مختلف متون جامعه‌شناسی با عنایت به منابع اصلی، مورد استفاده قرار گرفته است.

### نوسازی اجتماعی

یکی از فرضیه‌های محکم در پیدایش فاصله‌نسلی خود مبتنی بر پدیده (نظریه) نوسازی اجتماعی است؛ یعنی جریانی که به‌طور تاریخی ادامه می‌یابد، و جریانی که ویژگیهای عمده آن خود مشتمل بر توسعه علم و فن‌آوری، رشد اقتصادی، توسعه سازمان اجتماعی، مردم‌سالارانه شدن جامعه، نوسازی ارزشهای اجتماعی و شیوه‌های زندگی شهرنشینی و امثال آن است. همین‌طور، این نکته نیز قابل ذکر است که جوامع مختلف به‌گونه‌ای متفاوت این جریان (نوسازی اجتماعی) را تجربه می‌کنند. در این حرکت کشور (جامعه) راهبرد خاص خود را اتخاذ می‌نماید، و در آن به برنامه‌ریزی، جذب افکار و شیوه‌های خارجی و ... اقدام می‌نماید. مجموعه چنین حرکتی به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر فرهنگ جدیدی را به همراه می‌آورد و عاملان مستقیم و بلافصل آن نیز نسلهای جوانتر جامعه هستند، و آن خود مرکز ثقل و نقطه وقوع فاصله‌نسلها نام دارد؛ یعنی نقطه عطفی که خود موجبات کاهش وفاق اجتماعی را فراهم می‌آورد.

نوسازی اجتماعی که خود شکل خاصی از تغییرات اجتماعی است، به مفهوم جریان کلی توسعه نظام اجتماعی، ارزشهای اجتماعی، و جنبه‌های زندگی اجتماعی

تلقی می‌گردد که خود تحت تأثیر توسعه علم و فن‌آوری قرار دارد و مبنای آن نیز همان توسعه اقتصادی است. نظریه نوسازی اجتماعی در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در جهان مطرح شد و به تدریج در همه جوامع در سطوحی مختلف مورد استقبال قرار گرفت (۱۷). بسیاری از کشورهای رو به توسعه امروز جهت کاهش فاصله خود با جوامع توسعه‌یافته، حرکت به سوی توسعه اجتماعی را آغاز کرده‌اند؛ حرکتی که در آن می‌خواهند فقر و عقب‌ماندگی خود را از میان بردارند، ولی در مقابل گرفتار «فاصله‌ای جدید»، یعنی فاصله نسلی شده‌اند. با پیشرفت و به‌کارگیری نوسازی اجتماعی و با تعمق در پژوهش‌های نظری در این زمینه، در حقیقت، بسیاری از کشورها دریافته‌اند که جریان توسعه اجتماعی خود را با انقلاب بورژوازی بریتانیا در قرن هفدهم و انقلاب صنعتی در قرن هیجدهم آغاز کردند. این جریان، تا قرن نوزدهم، اروپای غربی و امریکای شمالی را نیز در بر گرفت و از اواسط قرن بیستم این روند جهانی شد و سایر کشورها را در بر گرفت. از این رو، سابقه فاصله نسلی در جوامع صنعتی حتی به قرن نوزدهم نیز برمی‌گردد.

تحقیقات نظری در زمینه نوسازی اجتماعی به آثار جامعه‌شناسانی چون «دورکیم (۱۹۶۴) و وبر (۱۹۶۴)» به نیمه قرن نوزدهم بر می‌گردد؛ یعنی جریانی که بسیاری از تغییرات اجتماعی، تغییر در الگوهای رفتاری، تغییرات ارزشی و ... را در برداشت. انعکاس نوسازی اجتماعی و متعاقباً وضعیت اجتناب‌ناپذیر فاصله نسلیها بدین گونه قابل تبیین است:

**الف - نوسازی اجتماعی به‌عنوان یک جریان تاریخی مداوم:** این جریان معیار ثابت و مشخصی ندارد، بلکه مظاهر عینی آن به دنبال جریان‌هایی چون صنعتی شدن پدیدار می‌گردد. در این حرکت جوامع صنعتی در مقایسه با جوامع رو به توسعه پیشتر هستند، یعنی در سطوحی بالاتر از نوسازی اجتماعی قرار دارند، به همین علت فاصله نسلیها نیز در آن جوامع زودتر آغاز شده و ریشه‌های گسترده‌تری نیز دارد. در جوامع صنعتی نوسازی اجتماعی هنوز هم ادامه دارد. این بدان معنا نیست که جوامع صنعتی نقایصی در جریان توسعه خود داشته‌اند، بلکه بدان دلیل است که ساختار اجتماعی جدید، فن‌آوری جدید و نظایر آن نیازهای مربوط به نوسازی بیشتری را به دنبال می‌آورد. از این رو، با تجربه و مشاهده جوامع صنعتی، جوامع رو به توسعه باید خود را برای

روندهای نوسازی بیشتر و مستمر آماده سازند؛ یعنی پدیده‌ای که فکر نو، ارزشهای نو و فاصله بیشتر بین نسلها را به دنبال می‌آورد.

ب - نوسازی اجتماعی به هیچ وجه به معنای غربی شدن یا اروپایی شدن نیست؛ اگر چه نوسازی اجتماعی به‌طور عمده در اروپا و به‌طور کلی در غرب آغاز شد و آثار آن در آغاز در آن جوامع هویدا گشت، ولی این بدان مفهوم نیست که جوامع رو به توسعه نیز باید صددرصد از روشهای آنها سرمشق بگیرند. بلکه متناسب با شرایط محیطی و فرهنگی خود، نوسازی اجتماعی را باید آغاز نمایند. از این رو، تجارب و درسهای آن درخور ملاحظه جدی است. در هر حال، اتخاذ بسیاری از روشها و الگوهایی که قبلاً جوامع صنعتی در جریان توسعه اجتماعی تجربه کرده‌اند، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید که خود در نهایت به فاصله‌های فرهنگی و نسلی منجر می‌شود.

در ضمن، براساس تحقیقاتی که بسیاری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی انجام داده‌اند، الگوهای نوسازی غربی در مواردی برای جوامع رو به توسعه کارآیی نداشته است. مثلاً، نظریه معروف مراحل رشد اقتصادی (روستو: ۱۹۹۰) در بسیاری از کشورهای رو به توسعه موفق نبوده است. عواملی چون تفاوت‌های محیطی، سطح توسعه، سیاستهای داخلی، وضعیت فرهنگی و نظام اجتماعی در کشورهای رو به توسعه و نظایر آن باعث شده‌اند تا نظریه رشد اقتصادی روستو در بسیاری از جوامع رو به توسعه تحقق نیابد، و توسعه‌یافتگی کمتری برای این جوامع به دنبال آورد. از این رو، این جوامع با اشکال و میزان‌های متفاوتی با فاصله نسلها روبه‌رو شده‌اند.

از آنجا که ارزشهای اجتماعی با ارزیابی مردم از محیط و جهتگیری رفتاری آنان شکل می‌گیرد، بنابراین، روشهای زندگی آنها به‌طور عمده تحت تأثیر همین ارزشهای اجتماعی است؛ - یعنی روشهای فکری و هنجارهایی که خود ملاک الگوهای رفتاری و کنش متقابل جوانان با دیگران است - تحت تأثیر چنین عواملی فاصله بین نسلها ایجاد می‌شود. این نکته نیز گفتنی است که جوانان بیش از سایر افراد و گروههای اجتماعی تحت تأثیر جریان نوسازی اجتماعی، نوسازی اقتصادی، توسعه و نظیر آن قرار دارند. به‌عبارتی ساده‌تر و از دیدگاه بسیاری از محققان اجتماعی، نوسازی به‌طور عمده بر نظام اجتماعی، نظام سیاسی و آداب و ارزشهای فرهنگی تأثیر می‌گذارد، و انعکاس این قبیل تغییرات به‌سرعت در نسل جوان مشاهده می‌گردد. از این رو، دگرگونی نسل جوان در

قالبی طبیعی، قانونی و بر اساس زمینه‌سازی‌های قبلی صورت می‌گیرد. بنابراین، فاصله بین نسلی نباید پدیده‌ای بعید، غیرعادی و پیش‌بینی نشده تلقی گردد. همین طور و بر اساس یک نظریه نوسازی اجتماعی، تغییر سریعتر جوانان خود روند توسعه را تسریع کرده و ارتقا می‌بخشد. بنابراین فرضیه نیز، تغییرات رفتاری و ارزشی در جوانان فرایندی عادی و موجه است، و بر همین اساس است که توسعه و تکامل اجتماعی تحقق می‌یابد.

سهم عظیمی از پدیده فاصله نسلی علاوه بر اینکه ناشی از تأثیرپذیری نهادهایی چون خانواده، سازمان اقتصادی، آموزش و پرورش و نظایر آن است، این پدیده تا اندازه زیادی از تبعات انقلاب صنعتی به حساب می‌آید. انقلاب صنعتی توسعه شهرهای بزرگ را امکان‌پذیر ساخت و به اشاعه نحوه زندگی شهری به مناطق روستایی نیز منجر شد، ارتباطات را بهبود و گسترش بخشید، و بدین گونه مشکلات و تضادهای فراوانی را به بار آورد که خود معلول انطباق بی در پی شئون مختلف جامعه با شرایط جدیدتر بود (۳). تداوم این جریان در نهایت و از دیدگاه جامعه‌شناسی به‌ویژه در عصر جدید به پدیده فاصله نسلی منجر گردیده است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، شهرنشینی یک ویژگی مهم توسعه نوسازی اجتماعی شناخته شده است و در آن، ضمن اینکه نحوه اسکان بشر تغییر می‌کند، بهره‌وری اجتماعی و روابط اجتماعی او نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در حالی که تاریخچه شهرها قدمت زیادی دارد، فرایند شهرنشینی به‌عنوان دستاورد جریان نوسازی اجتماعی شناخته شده است که خود، نتیجه تولیدات صنعتی انبوه، توسعه سازمان اجتماعی و تغییر در ارزشها و روشهای زندگی مردم شناخته شده است. تداوم این فرایند، نسل جوان را بیش از سایرین تحت تأثیر قرار می‌دهد. همین طور، توسعه شهرنشینی مردم را از زیستن در محیطهای محدود و بسته آزاد می‌کند، چه برخلاف محیطهای روستایی، محیطهای جدید (شهری) مرکز تجمع از جمعیت، ثروت، سلیقه‌های جدید، ابزار جدید و نظایر آن است که در آن انواع مختلفی از فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر آمیخته می‌شوند و روشهای زندگی جدیدی را بر جای می‌گذارند؛ یعنی جریانی که نظام فکری و رفتاری نسلهای جدید از آن نشأت می‌گیرد، و خود در عین حال تضادهایی را بین نسلهای قدیم و جدید ایجاد می‌کند، وفاق

اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و بدین‌سان جامعه‌ای جدید را پایه‌گذاری می‌نماید. از این‌رو، به‌علت پیدایش این‌گونه تمرکز فعالیتها در نقاط شهری و منافع اقتصادی و اجتماعی فراوان آن، شهرنشینی، یک گرایش مسلط و معیار مهم در فرایند نوسازی اجتماعی شناخته شده است.

### سایر عوامل مؤثر بر فاصله نسلها

بسیاری از شاخصهای جمعیتی و اجتماعی نیز به تأیید دفاتر خاص و تخصصی سازمان ملل متحد، نظیر صندوق فعالیتهای جمعیتی سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> (UNFPA)، با تفسیر و برداشتی جامعه‌شناسانه از آن، خود نقشی مؤثر بر ایجاد فاصله نسلها و در نتیجه به هم خوردن وفاق اجتماعی دارند. بعضی از این قبیل عوامل یا شاخصها عبارت‌اند از: ریشه‌کن کردن فقر - یک نوع توافق عمومی مبنی بر این نظریه مطرح است که با کاهش یا از میان برداشتن فقر، مولد کردن منابع، دادن قدرت به فقرا، دسترس پیدا کردن به خدمات اجتماعی اساسی، تأمین منابع غذایی، دسترس پیدا کردن به آب سالم، دستیابی به بهداشت و مسکن و ایجاد محیطی توانا جهت تأمین این‌گونه نیازها؛ جوانان به‌طور عمده تأمین و امکان انتخاب بیشتری پیدا می‌کنند، و طبیعتاً با نسلهای قبلی خود از جهات مختلف تفاوتی پیدا می‌کنند. از این‌رو، از بین بردن فقر در جامعه، رفاه بیشتری را برای نسلهای جدید به دنبال می‌آورد، که در نهایت به فاصله بین نسلها منجر می‌شود.

آموزش و پرورش - آموزش و پرورش، پیشنهاد توسعه انسانی شناخته شده است و همه زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی پیشرفت به آن مربوط می‌شود، و از این‌رو، در بهبود کیفیت زندگی مردم نقشی اساسی دارد. شعار «آموزش برای همه» با اولویت خاص برای آموزش ابتدایی و فنی، و همچنین آموزش جوانان که عموماً در بسیاری از جوامع با نوعی رقابت همراه بوده است، آگاهی‌های بیشتری را برای جوانان به همراه آورده است که خود منجر به فاصله بین نسلها شده است. هرم‌های سنی جمعیت نیز در بسیاری از جوامع نشان‌دهنده نسبت بالایی از جمعیت بی‌سواد در گروههای سنی بالاتر است. این عدم تناسب خود فاصله بین نسلی را افزایش می‌دهد. از این‌رو، و با توجه

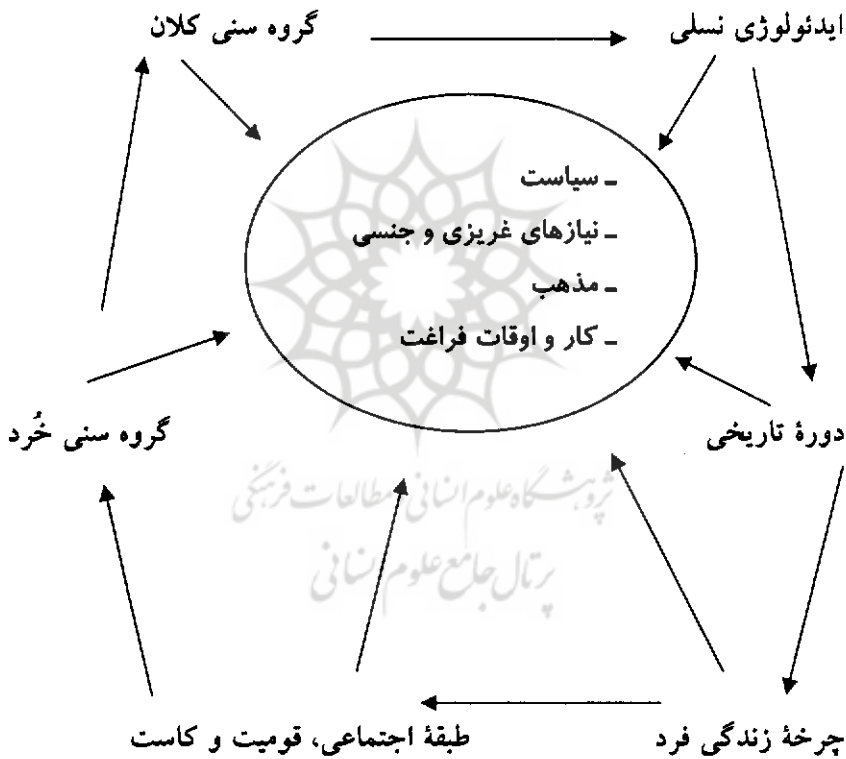


به وضعیت بیسوادی بزرگسالان در جوامع رو به توسعه، فاصله بین نسلیها در این جوامع خیلی بیشتر از جوامع صنعتی است. بنابراین، یکی از روشهای کاهش فاصله بین نسلیها ریشه کن کردن بیسوادی در جامعه است. تحقق چنین امری برای جامعه ایران هنوز هم نیاز به سالها تلاش و کوشش دارد. در این خصوص و به منظور پایدار کردن سواد و آموزش در کشورهای رو به توسعه، سازمان ملل متحد تأکید فراوان بر آموزش دختران دارد.

*بهداشت* - موازین بهداشتی و بسیاری از موارد مربوط به بهداشت خانواده، بهداشت در شرایط زاد و ولد و نظایر آن همگی موجبات ارتقای سطح زندگی را برای نسل جدید فراهم آورده است. سن ازدواج زنان، زمان خاتمه فرزندآوری آنها، فاصله بین ولادت‌ها، موارد و تعداد زایش در طول زندگی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنها و کیفیت مراقبتهای بهداشتی هر یک در جای خود در بهبود وضعیت بهداشت نسل جوان سهم عمده‌ای داشته‌اند. بهبود موقعیت بهداشتی نسل جدید، و سلامت و توانایی‌های آشکار و ملموس آنها که به‌طور عمده از کیفیت بالاتر معیارهای بهداشتی نشأت می‌گیرد، همگی یک نوع فاصله نسلی را در عصر جدید موجب شده‌اند. این شرایط، میانگین امید زندگی بالاتر را نیز برای نسلیهای جدید در جوامع مختلف فراهم آورده است. به‌عبارت دیگر، بدون توجه به طبقات اجتماعی، مناطق جغرافیایی، اقلیتهای مذهبی و نژادی و نظایر آن، با افزایش میانگین امید زندگی، توقعات و انتظارات نسلیهای جدید نیز تغییر کرده است، و این وضع فاصله بین نسلیها را هر چه بیشتر آشکار می‌نماید.

*جوانان به‌مثابه یک نسل* - این نظریه که جوانان یک نسل مورد نظر با نسل پدران خود تفاوت فراوانی دارند، موضوع بحث بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی معاصر است. طبق این نظریه نوعی «شکاف/ فاصله نسلی» بین جوانان امروز و والدین آنها وجود دارد. این فرضیه نیز مطرح است که تفاوت بین نسلیها خود مبتنی بر آگاهی یا زمینه‌های ایدئولوژیک است. از این رو، بسیاری از جوانان در دهه ۱۹۶۰ در جوامع غربی به‌علت تجارب، شرایط و ویژگیهای ناشی از هویت خاص خود، جلوه‌هایی از خود ظاهر ساختند که ناشی از فاصله نسلی بوده است. عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شکل دادن تلقیات، ارزشها و الگوهای رفتاری جوانان نقش

دارند. همین‌طور، طبقه اجتماعی در ترکیب شخصیتی و رفتاری جوانان نقشی مؤثر دارد. مثلاً، تا جایی که بررسی شده است، بسیاری از بزهکاران آنهایی هستند که به‌طور عمده دارای زمینه‌های اجتماعی ضعیف و محرومی بوده‌اند. از این رو، در تبیین و تمایز نسلها این‌گونه باید استدلال کرد که تفاوت‌های فردی، گروهی و نظایر آن ناشی از نسلها خود با طبقه اجتماعی در ارتباط است. به‌همین علت و بر اساس «گروههای سنی» است که معارضه بین نسلی و نظام قشربندی اجتماعی در یک جامعه به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر ظاهر می‌شود.



نمودار ۱- تکثر و تسلسل عوامل مؤثر بر ارزشها، نگرشها و رفتار جوانان

مأخذ: منبع شماره ۱۳

تغییرات اجتماعی کنترل ناپذیر - این حقیقت بر همه آشکار است که سراسر زندگی در معرض تغییر است؛ بدین گونه که انسان رشد می کند، ازدواج می کند، بچه دار می شود، نقشهای اجتماعی خود را تغییر می دهد، با بسیاری از وقایع غیرمنتظره مواجه می شود و به طور کلی با تغییرات کوچک و بزرگ در سراسر زندگی روبه رو می گردد. در واقع جوامع و همه گروههای جزئی درون آن به طور دایم در معرض تغییر هستند به ویژه در عصر جدید و در شرایط عصر سرعت. در منطق جامعه شناسی، تغییر فی النفسه نباید مشکلی ایجاد نماید، صرفاً به این علت که ما در جامعه زندگی می کنیم و جامعه عادت به تغییر دارد، و در کل تغییر را مفید به حال جامعه می دانند. اما تغییر همراه همیشگی تاریخ و زندگی انسان بوده است، در عین حال تغییرات فرهنگی در گذشته در قالبی آهسته صورت می گرفت، در حالی که در عصر جدید با توجه به آرای جدید، ابتکارات بیشتر، چرخه تغییرات دانش فنی و نظایر آن، تغییرات اجتماعی و فرهنگی بسیار سریع واقع می شود، به گونه ای که موجبات «فاصله نسلی» و دوری از وفاق اجتماعی را فراهم آورده است.

در جامعه شناسی این سؤال نیز مطرح است که اندامه انسانی به لحاظ فیزیولوژیک و روانی توان پذیرش این همه تغییرات سریع را دارد یا ...؟ «کنیستون (۱۹۶۳) این طور بیان داشته است که «ظرفیت انسان در تطبیق دادن و همانندسازی خود در برابر این همه ابتکارها بسیار محدود است. انسان می تواند خود را با تغییرات سریع تطبیق دهد مشروط بر اینکه با گذشته، ارزشهای گذشته، موقعیت های پیشین و نظایر آن ارتباط خود را قطع نکند، در غیر این صورت همانندی یا «همگون سازی»<sup>۱</sup> مشکل می نماید.» (16)

در چنین شرایطی مسأله «فاصله نسلی» پدیدار می شود. در این خصوص تافلر (۱۹۷۰) پدیده «شوک آتی»<sup>۲</sup> را مطرح نموده است؛ یعنی توصیف نتیجه تغییرات اجتماعی در شرایطی که سرعت آن به گونه ای باشد که انسان نتواند خود را با آن هماهنگ نماید؛ یعنی اینکه آینده زودتر از آن می رسد که ما بتوانیم خود را با آن تطبیق دهیم یا همگون سازیم. همین طور، در جریان «تشکیل هویت» فرد حالت انتخابی دارد؛ یعنی از همانندسازی های دوران کودکی بعضی را حذف و رها می کند، و بعضی دیگر را

1 - Assimilation

2 - Future Shock

حفظ نموده، در ترکیب جدیدی جذب می‌کند که بستگی به جریان اجتماعی دارد که هویت فرد جوان را معین می‌کند. همراه با تشکیل هویت، فرد احساس استقلال می‌کند، در این مرحله تا حدی می‌توان رفتار و واکنش فرد را پیش‌بینی نمود (۱). چنین شرایطی زمینه را برای ظهور فاصله نسلی فراهم می‌نماید. بنابراین، براساس مطالعات صورت گرفته توسط دانشمندانی چون مورفی (۱۹۶۵)، در صورتی که تغییرات اجتماعی شرایط خاصی را حایز نباشد، اضطراب‌آور و مخرب خواهند بود؛ یعنی پدیده‌ای که امروزه به «فاصله نسلی» موسوم است. این شرایط عبارت‌اند از:

۱- زمانی که سرعت تشدید می‌شود و به‌ویژه زمانی که ابعاد مختلف تغییر در طول زندگی یک نسل اتفاق می‌افتد.

۲- زمانی که تغییر مستلزم جهتگیری مجدد در خصوص ارزشها و فرضیه‌های اساسی است.

۳- زمانی که آمادگی و موازین تربیتی و آموزشی رسمی برای وارد کردن مهارتها و فنون لازم، به امور جدید (کارهای جدید) صورت نگرفته است.

تحت شرایط یاد شده ظهور «فاصله نسلی» در جامعه بسیار محتمل می‌نماید. همین‌طور، «فاصله نسلی» موجود در عصر حاضر و شکافها و تکانهای اجتماعی و فرهنگی آتی معلول عوامل فوق خواهند بود.

در شرایط و زمان تغییرات سریع اجتماعی، آداب فرهنگی و نهادهای اجتماعی که شاید تا دیروز مورد قبول جامعه بودند، امروز شاید مورد پذیرش قرار نگیرند. در مواردی حتی با کهنه و قدیمی تلقی شدن بخشهایی از دانش، ارزشهای مربوط به آن نیز مقبولیت خود را از دست می‌دهند؛ این گونه جایگزینی ارزشها را جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی چون گلاس (۱۹۷۰) به «از مد افتادن» و از دور خارج شدن اتومبیل تشبیه کرده‌اند. در تبیین و توجیه تغییرات اجتماعی و «فاصله نسلی» تافلر (۱۹۷۰) اشاره به کهنه شدن<sup>۱</sup> و از دور خارج شدن رو به تزاید الگوهای خانواده داشته است، بدان گونه که: مردمی که در اوایل سالهای قرن بیستم ازدواج می‌کردند، به‌طور میانگین انتظار سی سال زندگی مشترک را با یکدیگر داشتند، ولی با افزایش میانگین امید زندگی، این انتظار زندگی مشترک به پنجاه سال افزایش یافته است. از این‌رو، در

چنین شرایط زندگی طولانی‌تری، انتظار مواجهه با تغییر ارزشها، فاصله نسلی و ... را در حدی بیشتر باید داشت.

بنابراین، این حقیقت را باید در نظر داشته باشیم که تغییرات اجتماعی مبتنی بر تغییرات دانش فنی کنترل نشده، تأثیرات نافذی بر افراد، نهادها و حتی جوامع دارد؛ حتی در دهه‌های آتی هر چه بیشتر باید خود را برای یاد گرفتن مضامین جدید، فراموش کردن و به فراموشی سپردن مضامین کهنه، یادگیری مجدد و نظایر آن به‌گونه‌ای مستمر و پایدار آماده نماییم، یعنی احتمال پذیرش نهادها و ارزشهای رو به تغییر را بدهیم. در چنین شرایطی، با توجه به سرعت رو به افزایش باید تطبیق‌پذیری و تطبیق‌پذیری مجدد از خود نشان داد. در این جریان پدیده «فاصله نسلی» هر چه بیشتر ظاهر می‌شود، یعنی نسلهای جدید و جوان سریع‌تر خود را با شرایط تطبیق می‌دهند، در حالی که تطبیق‌پذیری نسلهای مسن‌تر مشکل‌تر می‌نماید.

### پیشنهادها و راهکارها

با استفاده از ابزار و خدمات فرهنگی، بهره‌گیری بیشتر به‌گونه‌ای هدف‌دار و جهت‌دار از وسایل ارتباط جمعی، غنی‌سازی و اضافه کردن مطالب و مواد مربوط به کتب آموزشی، ایجاد تماسهای فرهنگی بین اعضای مختلف گروههای اجتماعی و بدین گونه انتقال ارزشهای فرهنگی به سایر گروههای اجتماعی، به‌حدی از تعادل اجتماعی می‌توان دست یافت، و از آن طریق نوعی وفاق اجتماعی نسبی را در جامعه و بین نسلها ایجاد کرد. با کاهش «فاصله نسلی» و دستیابی به وفاق اجتماعی، بسیاری از تضادها و تفاوتهای اجتماعی را می‌توان به حداقل رساند و متعاقباً نظم اجتماعی را هر چه بیشتر در جامعه پایدار کرد. به‌طور کلی، پیش گرفتن سیاستهای اجتماعی مناسب و به‌موقع و همچنین ایجاد انسجام و یکپارچگی اجتماعی بین بخشهای مختلف تا حد زیادی ممکن است در کاهش فاصله بین نسلی مؤثر باشد. همین طور، با گسترش جریان اجتماعی کردن و فرهنگ‌پذیری، توافق روی ارزشهای جاری گسترش تعامل رو در رو، تقویت یکپارچگی نظام<sup>۱</sup> و نظایر آن فاصله نسلی را حتی‌الامکان می‌توان کاهش داد (18).

از سوی دیگر، برای درک و تفاهم بهتر، و از آن طریق به حداقل رساندن «فاصله نسلی» استفاده از قانونمندیهای تفکر نظام‌مند (سیستمی) فوق‌العاده مفید است، و در آن تعامل اعضای خانواده با یکدیگر، سطح و سازماندهی موجود در خانواده را ارتقا می‌بخشد، و زمینه احساس یکپارچگی در خانواده را فراهم می‌آورد (۲). بدین‌گونه فاصله بین نسلها را می‌توان تعدیل کرد.

### نتیجه

«فاصله نسلی» به‌طور عمده پیامد ظهور ارزشها و هنجارهای جدید بین نسلها و گروههای سنی جوان جامعه با مظاهر جدید فرهنگی اعم از مادی و غیر مادی است. در این جریان آنها یا ارزشهایی را به‌دست می‌آورند، یا از دست می‌دهند، و یا مجموعه شیوه‌های رفتاری خود را اصلاح می‌کنند. فاصله نسلی ممکن است از منابع مختلف ناشی شود، اما این پدیده اغلب به دنبال ارتباط داشتن با فرهنگهای دیگر تحقق می‌یابد. ابتکارات و اختراعات در تغییر سرمشق‌ها و هنجارهای نسل جوان تأثیر فراوان دارد. همین‌طور، گسترش وسایل ارتباط جمعی، مصرفی شدن جامعه و تغییرات شیوه‌های رفتار مصرفی، نسلهای جوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این جریان حتی فضای فکری، عواطف، ارزشهای انسانی جوانان را دگرگون می‌سازد؛ یعنی جریانی که نوعی فاصله ارزشی بین نسل قدیم و جدید ایجاد می‌کند. این نکته نیز گفتنی است که تا کنون هنوز هم به‌علت پایین بودن سرعت تغییرات اجتماعی، «فاصله نسلی» در بسیاری از جوامع زیاد نبوده است، لیکن با ورود به قرن بیست و یکم و افزایش سرعت تغییرات اجتماعی، به دنبال جریان جهانی شدن نظامهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرپذیری سریع نسل جوان از آن منابع، در آینده انتظار فاصله نسلی بیشتری را باید داشت. همین‌طور، بسیاری از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که: از آنجا که نگرشهای نسلها در دورانه‌های مختلف تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گیرند، نتایج تبعات آن در نحوه برخورد و رفتار با دیگران منعکس می‌شود (۴) و این خود نمادی از فاصله نسلی است.

در هر حال، تفاوت فرهنگی بین نسلها خود فاصله بین نسلها و دوری از وفاق اجتماعی را به دنبال می‌آورد (11/P.57) در مجموع، همگی ما به‌عنوان نوع بشر دارای

نشانه‌ها و خصوصیات مشترکی هستیم، اما در عین حال، به شدت تحت تأثیر شرایط اجتماعی و زمانی ارزشها و عادات فرهنگی ما تغییر می‌کند و این خود نقطه شروع «فاصله نسلی» است. از این رو و تحت تأثیر شرایط فوق، فاصله نسلیها به لحاظ ارزشی، هنجاری، فرهنگی، نگرشها، تلقیات، عقلانیت، تعهد، وفاداری و نظایر آن، به‌عنوان یک پدیده قرن بیستمی پدیده فاصله بین نسلیها را هر چه بیشتر پدیدار نموده است. این پدیده در آستانه قرن بیست و یکم ابعادی وسیعتر نیز به خود خواهد گرفت. عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، جمعیتی، زندگی شهری، ظهور حکومت‌های مردم‌سالار، گسترش ارتباطات و نظایر آن در ایجاد این فاصله نقش مؤثری دارند. پدیده فاصله نسلیها به‌طور اجتناب‌ناپذیری با توجه به روشهای زندگی تداوم داشته و خود نیازمند به مطالعات بیشتر و آگاهانه در آن خصوص، شناسایی ابعاد و پیچیدگیهای آن و همچنین دستیابی به راهکارها و شیوه‌هایی است که از آن طریق بتوان ابعاد تخریبی آن را مهار کرده، و متعاقب آن به‌طور نسبی به وفاق اجتماعی دست یافت.

#### منابع

- ۱- اکبرزاده، نسرين. *گذر از نوجوانی به پیری*، چاپ اول، ناشر: مؤلف، ۱۳۷۶.
- ۲- بیرامی، منصور. *خانواده و آسیب‌شناسی آن*، چاپ اول، انتشارات آیدین، ۱۳۷۸.
- ۳- روسک، جوزف و رولند وارن. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، چاپ سوم، انتشارات فروردین، ۱۳۶۹.
- ۴- کوهن، آرتور. *تغییر نگرش و تأثیر نگرش و تأثیر اجتماعی*، ترجمه علیرضا کلدی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۸.
- 5- Berger, Bennett M. (1974). *The Survival of a Counterculture*, Berkeley: University of California Press.
- 6- Bernardes, Jon, (1997). *Family Studies*, London: Routledge.
- 7- Bilton, Tony and others, (2002). *Introductory Sociology*, New York: MacMillan.
- 8- Bushan, B. (1994). *Dictionary of Sociology*, New Delhi, Anmol.
- 9- Coleman, Jame C. and Others, (1974). *Abnormal Psychology and Modern Life*, Bombay D.B. Taraporevala Sons and Co. Pvt., Ltd., Indian Reprint.

- 10 - Durkheim, Emile, (1964). *The Division of Labour in Society*, New York: Free Press.
- 11 - Giddens, Anthony, (1994 ). *Sociology*, Cambridge: Polity Press.
- 12 - Glass, Ruth, (1970 ). *Newcomers*, London: Allen & Unwin.
- 13 - Hettige, S. T, (1996). *Unrest or Revolt*, Colombo: Goethe Institute.
- 14 - IDRC Report, Vol. 21, No. 4, Jan (1994). *Social Policy*, Ottawa.
- 15 - *Inten'l Sociology* P. 153, Vol. 17, No. 2, June (1992), London: SAGE.
- 16 - Keniston, F. (1963). *Sociology*, London: Free Corporation.
- 17 - Li Lulu, "Theoretical Theses on Social Modernization", *Intern'l Sociology*, P. 365, Vol. 4 No. 4, Dec (1989), London: Sage.
- 18 - Lockwood, D, (1964). *Social Integration and System Integration: Explortions in Social Change*, London: Routledge and Kegan Paul.
- 19 - Mutphly, L. and Livingstone, H., (1985). *Racism and the Limits of Radical Feminism*, London: Hutchinson.
- 20 - *Population and Development Review*, P. 597, Vol. 3, No. 3, Sep (1996), New York: Population Council.
- 21 - Rostow, W. W., (1990). *The Stages of Economic Growth*, New York: Cambridge Univerity Press.
- 22 - Schaefer, B. T. and others, (1998). *Sociology*, London: Mc Graw-Hill.
- 23 - Toffler, Alvin., (1970). *The Third Wave*, New York: Bantam Books.
- 24 - *United Nations Fund for Population Activites*, (1998). New York.
- 25 - Weber, Max, (1964). *The Theory of Social and Economic Organization*, Translated by A. N. Henderson and Talcott Pasons, New York: Free Press.